

مؤمن بودن یعنی پایبندی به تعهدات ایمانی نبوت

خلاصه جلسه بیست و دوم: تعهد ایمان به نبوت

حضرت آیت الله خامنه‌ای در آخرین جلسه از سلسله جلسات نبوت به بررسی ایمان به نبوت و تعهد برآمده از آن پرداختند.

ایشان با طرح دیدگاه غلطی که اعلام زبانی به نبوت و پذیرش آن در دل را کلید ورود به بهشت می‌داند فرمودند: «مسئولیتی که انسان معتقد به نبوت نبی، بردوش می‌گیرد، عبارت است از دنباله‌گیری از راه نبی و قبول مسئولیت به منزل رساندن بار نبی».

ایشان افرادی که دیدگاه نادرست نسبت به نبوت دارند را مؤمن ندانسته و افزودند: «مؤمن آن وقتی ست که به تعهدات و مسئولیت‌هایی که ایمان به نبوت برای انسان می‌آورد، پایبند باشد.»

حضرت آیت الله خامنه‌ای تعهد ایمان به نبوت را کمک به بنیان عظیمی دانستند که پیامبر سعی بر بنای آن داشتند؛ یعنی ساختن دنیایی اسلامی.

ایشان با اشاره به صف بندی جدید ساخته شده توسط نبی و هدایت مردم به سمت خداوند و تعارض ایجاد شده بین جبهه‌ی پیامبر و صف دشمنان ایشان؛ افرادی را که بین دو صف در نقطه‌ای امن مانده و به کمک جبهه حق نمی‌روند را، علیه حق خواندند و فرمودند: «در جنگ حق و باطل، اگر با حق نبودی، با باطلی. با باطل بودن به این معنا نیست که حتماً با حق بجنگی، بلکه حتی آن صورتی که برای حق جنگی هم داخل است در مفهوم باطل بودن.» و در ادامه با شواهد تاریخی افرادی از این دست، به سراغ تفسیر آیاتی رفتند که تعهد ایمان به نبوت را بیان می‌کند.

 جلسه ۲۲: تعهد ایمان به نبوت مؤمن بودن یعنی پایبندی به تعهدات ایمانی نبوت				آیات این جلسه آیات ۷۲ تا ۷۴ سوره مبارکه‌ی انفال آیه ۸۱ سوره‌ی مبارکه‌ی آل عمران	
مؤمن	صف بندی حق و باطل	مسئولیت	تعهد به نبوت	واژگان کلیدی	
نکات کلیدی				آیه	
[این حکم] برای زمان پیغمبر است، نه اینکه بخواهم بگویم برای زمان‌های دیگری نیست، نه، این حکم کلی‌ست. در مورد زمان پیغمبر دارد گفته می‌شود، که مسئله‌ی هجرت هم آنجا مطرح بوده؛ هجرت به جامعه‌ی اسلامی. آن روزیک عده‌ای مسلمان می‌شدند، طرز فکر پیغمبر را قبول می‌کردند، اما حاضر نبودند از مکه بیایند بیرون، می‌گفتند خب، چرا بروم بیرون؟ مکه مغازه‌ای دارم، تلفن شماره‌ی زُند عالی دارم، مشتری‌های شناخته و دانسته دارم، قوم و خویش و رفیق و هم پیااله دارم، اینها همه را بگذارم و بروم پهلوی پیغمبر؟ خب چرا؟ ایمان لازم است؟ ایمان دارم، صد بار هم می‌گویم، در دلم، به زبانم، یواش که کسی البته نشنود، خدا یکی‌ست، پیغمبر هم بر حق است. نماز از من می‌خواهد پیغمبر، می‌خوانم، روزه می‌خواهد، عوض سی روز، شصت روز می‌گیرم، چرا بروم مدینه؟ بعضی این جوری فکر می‌کردند. [درحالیکه] هجرت در آنجا لازم بود. جامعه‌ی اسلامی نوبنیاد بود، باید می‌رفتند، باید تقویت می‌کردند و باید آن جامعه را در مقابل دشمنانش آسیب ناپذیر می‌ساختند؛ لذا هجرت شرط قطعی قبول ایمان بود. اینها بعضی پیوستگان و هم‌جبهه‌گانِ بعض دیگر هستند. اینها همان مؤمنینی هستند که				إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ آوَوْا وَنَصَرُوا أُولَئِكَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يُهَاجِرُوا مَا لَكُمْ مِنْ وَلَايَتِهِمْ مِنْ شَيْءٍ حَتَّى يُهَاجِرُوا وَإِنْ اسْتَنْصَرُوكُمْ فِي الدِّينِ فَعَلَيْكُمُ النَّصْرُ إِلَّا عَلَى قَوْمٍ يَبِينُكُمْ وَبَيْنَهُمْ مِيثَاقٌ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ (انفال/ ۷۲) همانا کسانی که ایمان آورده‌اند و هجرت کردند. و به وسیله‌ی جان و مال در راه خدا مجاهدت نمودند و کسانی که پناه دادند و یاری کردند. اینان بعضی‌شان، پیوستگان و هم‌جبهگان بعضی دیگرند.	

مثل آجرهای توی هم فرورفته‌اند. یک بنیان را نگاه کنید، این عمارت را نگاه کنید، آجرها تو هم رفته، چوب‌ها تو هم رفته، اجزای یک عمارت با سایر اجزا در هم پیوسته و گره خورده، مؤمنین در جامعه‌ی اسلامی همین جورند، همه به هم پیوسته و جوشیده و گره خورده هستند. اولیا یعنی این، ولایت یعنی این، پیوستگی کامل، الصاق و التصاق کامل، این ولایت است.

تا هجرت نکردند و آنجا هستند، بیگانه‌ی از شما هستند. هیچ رابطه و پیوند اسلامی و برادری میان شما نیست.

منتها یک حکم دیگری در کنارش هست؛ همان‌هایی که در آنجا هستند، اگر چنانچه با گروه دیگری جنگشان افتاد و از شما یاری خواستند، شما البته باید بروید آنها را یاری‌شان بدهید؛ چون با شما همفکرند و چون در حال جنگند. اگر مسلمانی با گروه کافر مشغول جنگ بود، بر شما واجب است که ولو آن مسلمان پهلوی شما نیست، در وطن شما نیست، هجرت نکرده با شما، واجب است بر شما که بروید او را کمکش کنید. مگر در یک صورت و آن این است، آن کسی که آن مسلمان دارد با او می‌جنگد، با شما پیمان صلح بسته باشد؛ در این صورت کمک به آن مسلمان هم دیگر واجب نیست. اینجا چه می‌فهماند این آیه به ما؟ اولاً می‌فهماند کمک به مسلمان، در هر نقطه‌ای از جهان که باشند واجب است، ولو هجرت نکرده باشند. ثانیاً می‌گوید آن مسلمانی که هجرت نکرده است، و در دارالکفر باقی مانده، این آدم اگر با یک نفر یا یک دسته کافر جنگش افتاد و شما با آن کافر پیمان صلح دارید و عدم تعرض، حق ندارید بروید به کمک برادر مسلمانان. چرا؟ چون هجرت نکرده، چون برادر شما نیست، مهاجرت نکرده به سوی شما.

و آنان که ایمان آوردند ولی مهاجرت نکردند شما را با آنان پیوستگی و ارتباطی نیست مگر وقتی مهاجرت کنند.

و اگر این دسته از شما یاری خواستند باید یاری‌شان کنید، مگر آنکه بر ضد مردمی باشد که با شما پیمان صلح دارند و خدا به آنچه می‌کنید بیناست.

وَالَّذِينَ كَفَرُوا بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ
بَعْضٍ إِلَّا تَفْعَلُوهُ تَكُنْ فِتْنَةٌ فِي
الْأَرْضِ وَفَسَادٌ كَبِيرٌ

(انفال/۷۳)

و کسانی که کفر آوردند، بعضی
هم جبهگان و پیوستگان بعضی
دیگرند. اگر چنین نکنید در زمین
فتنه و فساد بزرگ پدید خواهد
آمد.

شاید مراد این باشد که اگر این جبهه‌بندی و این
صف‌بندی را مراعات نکنید، اگر ندانید و ندانسته
باشید که صف شما در مقابل صف دشمنان خدا،
یک صف مشخص و ملحوظیست و اگر ندانید
که هر که بین دو صف باشد، از صف دشمنان و
معارضان است اگر اینها را ندانید و به مقتضای
اینها عمل نکنید، در زمین فتنه خواهد شد، فساد
خواهد شد.

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا
فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ آوَوْا
وَنَصَرُوا أُولَئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ
حَقًّا لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ

(انفال/۷۴)

کسانی که ایمان آوردند و
هجرت کردند و در راه خدا جهاد
نمودند. و کسانی که پناه دادند
و یاری رساندند، آنها پند مومنان
راستین. برای آنهاست مغفرت و
روزی بزرگوارانه.

[پس] آنی که ایمان آورده است و مهاجرت و
مجاهدت و پناه دادن و نصرت نمودن از او سر نزده
است، او چیست؟ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ غَيْرِ حَقٍّ؛ مومنین
الکی، مومنین دروغی.

وَإِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ النَّبِيِّينَ لَمَا
آتَيْنَاكُمْ مِنْ كِتَابٍ وَحِكْمَةٍ ثُمَّ
جَاءَكُمْ رَسُولٌ مُصَدِّقٌ لِمَا مَعَكُمْ
لَتُؤْمِنُنَّ بِهِ وَلَتَنْصُرُنَّهُ قَالَ أَأَقْرَضْتُمْ
وَأَخَذْتُمْ عَلَىٰ ذَلِكُمْ إِصْرِي قَالُوا
أَقْرَضْنَا قَالَ فَاشْهَدُوا وَأَنَا مَعَكُمْ
مِنَ الشَّاهِدِينَ

(آل عمران ۸۷)

و به یاد آور که خدا پیمان از پیامبران گرفت (بدین صورت که:) از آنچه از کتاب و حکمت بر شما فروفرستادیم. پس از شما هرگاه پیامبری آمد که آنچه را شما دارید تصدیق میکرد لازم است که بدو ایمان آورید و او را یاری کنید. آیا بدین پیمان اقرار کردید و گردن نهادید و از امت خود بر این همه از سوی من تعهد گرفتید؟ پیغمبران گفتند: اقرار کردیم و گردن نهادیم. گفت: پس گواه باشید و من نیز با شما از گواهانم.

ما از پیغمبران گذشته، حتی تعهد گرفتیم، گفتیم به آنها، به پیغمبر گذشته، مثلاً به موسی، اگر بعد از تو پیغمبری آمد که آنچه را حالا به تو دادیم تأیید کرد و امضا کرد، تو لازم است که به آن پیغمبر ایمان داشته باشی و او را یاری کنی؛ یعنی موسی از پیغمبرهای بعد خودش، عیسی از پیغمبرهای بعد از خودش، هر پیغمبری که بعد از پیغمبر دیگری بیاید و سخن پیغمبر قبلی را امضا کند، لازم است بر پیغمبر قبلی که او را تصدیق کند، به آن پیغمبر بعد از خودش ایمان بیاورد، علاوه بر این، او را یاری هم بکند.

حالا نصرت پیغمبر چیست؟ نصرت پیغمبر این است؛ موسی مثلاً چگونه پیغمبر ما را یاری می‌کند؟ اینکه به امتش، دوستانش، یارانش، سفارش می‌کند: مبادا، مبادا، مبادا اگر این پیغمبر با این نشانه‌ها آمد، مخالفت با او بکنید. خب نصرت است.

یهودی‌های عالم، الآن از طرف موسی بن عمران مورد مؤاخذه‌ی این میثاقند، الآن موسی بن عمران به زبان حال و قال، کانه دارد به آنها می‌گوید: ای نامردها! مگر من از شما پیمان نگرفتم که تا ابد، هر کسی که به موسی ایمان دارد - موسی خودش به پیغمبر خاتم ایمان دارد - باید به پیغمبر خاتم ایمان بیاورد و او را یاری کند، کمک کند.

بخشی از بیانات آیت‌الله خامنه‌ای در ۱۳۵۳/۰۷/۱۸ در مسجد امام حسن علیه السلام مشهد:

تعهد رسالت، ساختن یک دنیایی به شکلی است که اسلام گفته است؛ این تعهد رسالت است. رسول که می‌آید، می‌آید تا جهانی را با قواره‌ای که اسلام پیشنهاد می‌کند، بسازد. پیغمبر برای این مبعوث می‌شود تا شکل زندگی و نظام زندگی انسان‌ها را به صورتی که خدا می‌گوید، درست کند. اگر شما در زمان خودتان دیدید که بشریت با شکلی خدا فرموده زندگی نمی‌کند، دیدید که انسانیت از داشتن یک جامعه‌ی الهی محروم است، دیدید که مکتب‌های گوناگون دارند بشریت را به این سو و آن سو می‌کشند و اسلام برای گوشه‌ی مغز و گوشه‌ی دل انسان‌ها باقی مانده و بس، وظیفه‌ی شما و تعهد شما بر اساس شهادتی که به رسالت پیغمبر می‌دهید این است که بکوشید تا دنیا را به شکل اسلام فرموده در بیاورید؛ این مسئولیت و تعهد نبوت است.